

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه

۲۸ مارچ ۲۰۲۲



یونس نگاه

ملاحسن چگونه به انزوا رفت؟

(رویاریونی دو دیدگاه اقتصادی در مجلس طالبان)

رهبری طالبان برای سه روز از ۲۰ تا ۲۲ ماه جاری میلادی (مارچ) در قندهار جلسه داشتند. در این جلسه بحث‌های داغ و حیاتی بین طیف‌های گوناگون طالبان انجام شد. روز نخست به سخنرانی‌های تشریفاتی، نصایح و دعاها اختصاص یافته بود. روز دوم نمایندگان طیف‌های مختلف طالبان نظرات خود را در مورد اقتصاد، اجتماع، سیاست خارجی و حکومت‌داری بیان می‌کردند. اختلاف نظر بین دو طیف از طالبان جدی و آشکار بود. طیف اول را که طالبان محافظه‌کار می‌باشند، ملا برادر نمایندگی می‌کرد و طیف دوم را که طالبان لیبرال می‌باشند، ملاحسن آخند نمایندگی می‌کرد. بین این دو طیف روی خیلی از مسایل اختلاف نظر بود. در روز اول و دوم، ملاحسن و ملا برادر تلاش داشتند خود مستقیم به بحث‌ها دخیل نشوند و از طریق افراد پائین‌رتبه‌تر نظرات هریکی از این دو گرایش اصلی مطرح می‌گردید.

اختلاف دیدگاه در مسایل تحصیل، کار و اقتصاد عمیق‌تر بود و در نهایت به رویاریونی و بحث مستقیم ملا برادر و ملاحسن آخند در حضور رهبر طالبان، ملاهیت‌الله آخند و دیگر رهبران طالبان انجامید.

ملاحسن آخند صبح روز دوشنبه، ۲۲ مارچ ۲۰۲۲، بعد از نماز صبح جلسه اضطراری با تعدادی از متفکران و فعالان طیف لیبرال برگزار کرد و یادداشت‌هایی را که برای سخنرانی پایانی‌اش گرفته بود با آنان شریک کرده مشوره آنان را شنید. فیصله بر این شد که ملاحسن آخند واضح، بدون ملاحظه و شفاف دیدگاهش را شرح دهد و نگذارد محافظه‌کاران مانع رشد کشور گردند.

ساعت ده و بیست و پنج دقیقه نوبت سخنرانی ملاحسن آخند رسید. او که آشکارا هیجان داشت، به‌نظر می‌رسید عزمش را جزم کرده است تا مانع عقب‌گرد کشور شود. وقتی ملاحسن پشت مایک رفت بدون حاشیه مستقیم سر بحث را گشود. او گفت که نظر او و همفکرانش در مورد سیاست‌های مذهبی و فرهنگی از سوی تعدادی از سخنرانان روزهای قبل

توضیح داده شده و لازم نمی‌بیند در آن موارد به تفصیل صحبت کند و افزود که آیت مبارکه **لا اکره فی الدین** سرمشق او در سیاست‌های مذهبی و فرهنگی است. او گفت طرفدار اجبار در دین و فرهنگ نیست و انتخاب آزادانه انسان را در مذهب و فرهنگ اصل اساسی حکومت‌داری می‌داند. به نظر ملاحسن آخند انسان با آزادی فرصت تعالی می‌یابد و با حق انتخاب عالی‌بودنش را جامعه عمل می‌پوشاند.

ملاحسن گفت قصد دارد توضیح دهد که چرا انکشاف زیربنا و توسعه دانش‌محور را برای افغانستان بهترین مسیر توسعه می‌داند. ناگفته نماند که ملا برادر حامی توسعه روستائی و انکشاف اقتصادی زراعت‌محور است.

دیدگاه اقتصادی ملاحسن حاصل سال‌ها مطالعه، تحقیق و کار در افغانستان و پاکستان است. او در کنار درس‌های مدرسه و امور ملائی با روشنفکران، اقتصاددانان، ساست‌مداران و جامعه‌شناسان بسیار بحث و مذاکره داشته است. آثار علمای بزرگ غرب و شرق را مطالعه کرده اما به دلیل فضای سنتی حاکم بر مدارس، بندرت در گذشته دست به قلم برده و کمتر از باورهایش سخن گفته است. اکنون که در جایگاه تصمیم‌گیری قرار گرفته و رئیس‌الوزرای طالبان شده است، فرصت را غنیمت شمرده و خواسته است که نظراتش را مطرح کند. او سخنانش را با ذکر حدیثی از پیامبر اسلام (ص) ادامه داده است: **"لا خیر فی تعیش الا لرجلین عالم مطاع، او مُستمع داخ"** (زندگی جز برای دو کس خیر ندارد: دانشمندی که نظرات او اجراء گردد و دانش‌طلبانی که گوش به سخنان دانشمندی دهد).

ملاحسن آخند گفت او با اتکا به آیت مبارکه **لا اکره فی الدین** و این حدیث شریف به نظرات دانشمندان غیراسلامی در مسایل سیاست، اجتماع، اداره و اقتصاد بسیار ارزش قایل است و امروز می‌خواهد با استناد به نظرات توماس مالتوس، دیوید ریکاردو، آدام اسمیت و کارل مارکس توضیح دهد که چرا نظرات محافظه‌کاران به رهبری ملا برادر آخند به سود کشور نیست و باید به توسعه دانش، انکشاف زیربنا و سرمایه‌گذاری صنعتی اولویت داده شود. یکی از مخالفان آخند از میان جمعیت صدا کرد که اگر غرب‌گرای واقعی هستی لیست اندیشمندان را تکمیل کن. مولوی جان‌مینارد کینز و شیخ میلتون فریدمن را هم یاد می‌کردی که از علمای متأخرتان می‌باشند.

ملاحسن با خونسردی گفت به آن‌ها هم خواهیم رسید. آشنائی با یافته‌ها و خطاهای آنان نیز لازم است اما نه برای ما که هنوز درگیر مسایل پیشاصنعتی می‌باشیم. ملاهبت‌الله آخند صدا زد که لطفاً مشاجره نکنید. به سخنان ملاحسن آخند گوش دهید.

جمعیت ساکت شد و ملاحسن گفت وقتی توماس مالتوس در سال ۱۷۹۸ "رساله پیرامون جمعیت" را نوشت حدود یک دهه از انقلاب کبیر فرانسه گذشته بود و اقتصاد سیاسی کلاسیک اروپا جان می‌گرفت. همان‌طوری که ما امروز در افغانستان با فروپاشی روستاها روبه روئیم، درحالی که شهرهای ما نیز ظرفیت جذب جمعیت بیکار گریخته از روستاها را ندارد و هر روز فقر، بیکاری و حاشیه‌نشینی افزایش می‌یابد، در آن زمان اروپای غربی نیز دچار چنین آشفتگی بود. مسأله توزیع، افزایش نفوس، بیکاری و دستمزد مهم‌ترین مسایل بود. مالتوس به‌خطا جمعیت روبه‌افزایش را خطر می‌دید، همان‌طوری که برخی افراد در میان طالبان فکر می‌کنند نیروی بشری اهمیت ندارد و داشتن چند میلیون طالب بهتر از داشتن چهل میلیون هموطن غیر طالب است. اینان از فرار نیروی کار و مهاجرت آدم‌ها نگران نیستند و تصور می‌کنند اگر جمعیت کاهش یابد می‌توان از طریق تجارت، انکشاف زراعت و دعای باران مملکت را اداره کرد. اروپا اما از نیروی روبه‌افزایش بشری برای راه‌انداختن ماشین صنعت استفاده کرد و ترس‌های مالتوس خطا ثابت شد.

نزدیک به دو دهه پس از مالتوس، اقتصاددان دیگری به مسأله انکشاف اقتصادی و توزیع ثروت از زاویه دیگر پرداخت و ترس کمپابی را مطرح کرد. دیوید ریکاردو می‌گفت وقتی جمعیت و تولید به‌طور مداوم رشد می‌کنند، زمین به تدریج کمیاب می‌گردد. در نتیجه به‌خاطر رابطه عرضه و تقاضا، قیمت زمین افزایش می‌یابد و حق‌الاجاره زمین

بیشتر شده باعث گسترش فقر در میان توده دهقان می‌گردد و ثروت به‌طور روز افزون به‌دست ملاکان تمرکز می‌یابد. این وضعیت واقعاً برای مدتی در غرب اتفاق افتاد اما چیزی را که ریکاردو نمی‌دانست، اعجاز علم و صنعت بود. در عصر او تصور جهانی آسان نبود که در آن تولیدات زراعتی به‌خاطر مدرنیزه‌شدن کشت، آبیاری و جمع‌آوری چنان فراوان شود که زمین زراعتی دیگر سرمایه‌چندانی برای ملت‌ها نباشد. چرا از ریکاردو گفتیم؟ چون دوست مؤمنم ملابرادر آخذ تصور می‌کند مهم‌ترین سرمایه‌افغانستان زمین زراعتی و آب شیرینش است. او فراموش می‌کند که مهم‌ترین سرمایه‌ما نیروی انسانی است. دانش، نیروی متخصص، خدمات ارزان و باکیفیت، و صنایع مدرن می‌توانند از یکسو آب، زمین و زراعت ما را به کالاهای تجاری و صنعتی بسیار ارزشمند تبدیل کنند که از آن نه تنها ما بلکه میلیون‌ها انسان در سراسر دنیا مستفید گردند و از سوی دیگر کشور ما را به بازارهای بزرگ جهانی وصل کرده عوایدی چنان چشمگیر به کشور سرازیر نمایند که دیگر زراعت هرچند مدرنیزه و پردرآمد، چنددرصد بیشتر از کل عاید ملی ما را نسازد.

ملاحسن آخذ گفت که آب شیرین سرمایه است، به‌شرط آن‌که در نل‌های آبیاری قطره‌ای جریان پیدا کند نه آن‌که در جوی‌های سنتی و زمین‌های ریگی غرق شود. آب شیرین سرمایه است، به‌شرط آن‌که آب نوشیدنی مردم گردد و در خانه‌ها لوله‌کشی شود و شرب صنایع و فابریکه‌ها را تأمین کند. دوستم ملابرادر از ساختن بندهای آب، کندن جوی‌ها و کشت نهال به‌عنوان کلید تحول یاد می‌کند و می‌گوید با تحصیل دختران، وطن آباد خواهد شد، با توسعه پوهنتون‌ها کشور فاسد خواهد گردید؛ پول خود را به کندن چاه، کشیدن جوی و کاشتن نهال مصرف کنیم. این چیزها خوب اند اما کلید تحول نخواهند شد. ما باید از ذهنیت چشمه‌محور و جوی‌اندیشی خود را رها کنیم و به شرکت، صنعت، دانشگاه، خدمات، حمل و نقل و شهرسازی توجه نماییم.

ملاحسن افزود: من و ملابرادر هرچند هردو ملا ایم و هردو طالب می‌باشیم اما دو راه متفاوت را برای کشور خود انتخاب کرده‌ایم. راه جوی‌اندیشی و چشمه‌فکری روستائی است و افغانستان را در خودش غرق می‌کند؛ گرسنه‌تر، دربندتر و منزوی‌تر می‌سازد. درین روش دختران باید در خانه بمانند، بودجه مکاتب کاهش یابد، دانشگاه‌ها محدود گردند، تجربه و تحقیق به‌حاشیه رانده شوند. اما در روشی که من انتخاب کرده‌ام فرزندان کشور همه باید به کسب علم و مهارت و ارتقای ظرفیت بکوشند. دانشگاه‌ها با مراکز تحقیق و توسعه مجهز شوند و رابطه بین فابریکه و دانشگاه توسعه یابد. نیروی کار آزاد شود. تأکید می‌کنم که نیروی کار آزاد شود و مطابق ضرورت بازار به‌حرکت در آید. این آزادی زمانی محقق می‌شود که بازار افغانستان با بازار جهان با اصول عادلانه وصل گردد. بازار ما وقتی با بازار جهان وصل شد باید الزامات بازار جهانی از جمله مسایلی فرهنگی چون پوشش، خوراک و تفریح (در مجموع خدمات) مناسب حال بازار جهانی باشد تا متخصصان، سرمایه‌گذاران، کارگران و دانشمندان ما و جهان به آسانی همکاری کنند و در میان بازار ما و دیگر بازارها بدون نگرانی از کمبود خدمات و تفاوت شدید فرهنگی رفت و آمد کنند.

ملاحسن افزود: طالبان عزیز حتماً متوجه هدفم شده‌اید. به‌نظر من رفاه اقتصادی بدون بازار و صنعت ممکن نیست. بازار و صنعت بدون خدمات مدرن رشد نمی‌کنند. خدمات مدرن بدون آزادی‌های مدنی مهیا نمی‌شود.

ملاحسن گیلان کنار دستش را برداشته دو شوپ آب نوشید و کمی توقف کرده به طالبانی که روبه‌رویش نشسته بودند نگاه کرد و گفت که از میان شما کسانی مطمئنم مدتی در فابریکه‌های افغانستان یا بیرون کشور کار کرده‌اید. یا شاید پدر، برادر و اقارب کارگر دارید. حتماً می‌دانید که کارگران جامعه ما چه رنج‌هایی می‌کشند. درعین حال می‌دانید که در بیست سال گذشته، قومندان‌ها، وزیران، رؤسای و رهبران سیاسی چگونه دارائی‌های کشور را غارت کردند. انباشت سرمایه در دست تعداد محدودی از افراد رنج‌های بسیاری را در جامعه ما به‌وجود آورده است. در بیست سال گذشته

پول از خارج آمد، تعدادی فابریکه ساخته شد، زراعت هم در جاهائی رشد کرد، تجارت نیز مدتی رونق داشت اما توزیع ثروت چگونه بود؟ می‌دانید که گروهی از شما طالبان به‌دلیل همان انباشت غارت‌گرانه و توزیع ناعادلانه ثروت به جبهه ما پیوستید. ما نباید مسیر آنان را تعقیب کنیم. تحصیل باید رشد کند، زیربناها باید توسعه یابند، صنعت باید انکشاف یابد اما نه به سمتی که فقر را افزایش دهد، شهرها را پر از گدا و حاشیه‌نشین کند، کارگران را به پرزدهای ماشین تبدیل کند و گروه محدودی را بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ ما حاکم سازد. این ایده را مارکس مطرح کرده بود. می‌خواهم چند جمله از چیزهایی که کاپیتال مارکس برای ما می‌آموزد برای‌تان بگویم.

درین زمان ملاهبت الله سرفه کرد. ملابرادر دست به بروتهایش کشید. تعدادی از طالبان مهمه راه انداختند و خلیفه حقانی دستور داد که برق مایک ملاحسن را قطع کنند. ملاحسن سکوت کرد. ملاهبت الله گفت: ملاحسن همین‌قدر کافی‌ست. فکر نمی‌کنم این‌جا محل مناسبی برای بحث روی افکار مارکس باشد.

تا زمانی که ملاحسن به بحث کاپیتال و مارکس نپرداخته بود، مجلس گرم بود و بیشتر طالبان حاضر به او گوش می‌دادند. به نظر می‌رسید حامیان ملابرادر زیر فشارند و احساس می‌کنند فرقه ملاحسن در هدایت سیاست‌های اقتصادی، رهبری را به‌دست خواهند گرفت. اما نام مارکس قابل تحمل نبود و موج، خلاف ملاحسن برگشت.

در پایان آن روز ملاهبت الله اعلام کرد که ملاحسن به احترام حامیانی که در گروه طالبان دارد در پست ریاست‌الوزراء باقی خواهد ماند اما قبل از برگشت به کابل باید مدتی در قندهار زندگی کند و او، ملاهبت الله، افکارش را به‌دقت ارزیابی خواهد کرد. تا آن وقت ملابرادر، معاون اول رئیس‌الوزراء هدایت امور را در کابل به‌دست خواهد داشت.

ملا برادر فاتحانه به کابل برگشت. مکاتب متوسطه و لیسه دخترانه را تا زمان نامعلوم بند کرد. حضور هم‌زمان زنان و مردان را در پارک‌ها منع کرد. سفر زنان بدون محرم را ممنوع قرار داد.

ملابرادر بنازگی اعلان کرده است که دو پروژه بزرگ زراعتی بازگشائی خواهد شد. درین پروژه‌ها کارهای بسیاری در بخش زراعت انجام می‌شود از جمله صدها چشمه در سراسر کشور پاککاری خواهند گردید تا مردم راحت‌تر وضو بگیرند و دختران کوزه‌هایشان را خوبتر پر آب کنند.